

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**رہ آورد سقیفہ**

**ہرج و مرج و رفتار ظالمانہ**

۲۶ فرورداد ۱۳۸۹

---

۳ رجب المرجب ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### چکیده سخن

در جلسات گذشته، در مورد خطبه گرانقدر حضرت زهرا علیها السلام - که خطاب به زنان مهاجر و انصار ایراد گردیده بود - سخن گفتیم و متذکر شدیم که عبارات حضرت علیها السلام بسیار فصیح و بلیغ است. طبق آنچه گفته شد، این خطبه دارای پنج نکته اساسی است:

۱. حضرت زهرا علیها السلام در چند فراز از این خطبه شریف، مردم آن روزگار را مورد سرزنش و توبیخ قرار می‌دهند و در ذکر اوصاف آنان می‌فرمایند: شما مردمی هستی بی‌وفا، بازیگر در امر دین و سیاست، علیل الفکر، ناتوان، و متفرق و پراکنده.

۲. حضرت علیها السلام در فرازهای دیگری به دنبال اثبات این مطلب هستند که خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتماً باید مبتنی بر وحی الهی باشد.

۳. سرزنش قریش از این جهت که وقتی آنها براساس نص صریح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در واقعه غدیر و دیگر وقایع به ولایت و جانشینی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان داشتند، چرا اکنون از ولایت و حکومت ایشان علیه السلام روی می‌گردانند؟

۴. حضرت علیه السلام برای تنبه و بیداری مردم به ذکر گوشه‌ای از فضائل، مناقب و درجات علمی و معنوی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرداختند.

۵. حضرت علیه السلام در ادامه می‌فرمایند: این رفتار شما یعنی روی برگرداندن از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، دارای اثرات زینباری خواهد بود و انحرافات عظیمی در جامعه پدید خواهد آورد. حضرت علیه السلام در ادامه به گوشه‌ای از این انحرافات و مضرات زینبار آن اشاره می‌نمایند.  
متن فرمایشات حضرت علیه السلام عبارتند از:

«ألا! هلمّ فاستمع وما عشت أراك الدهر عجباً ﴿١﴾ وإن تعجب فعجب قولهم ﴿٢﴾ لیت شعری! إلی آئی سناد استندوا و علی آئی عماد اعتمدوا و بآیة عروة تمسکوا و علی آیة ذریة أقدموا و احتکوا ﴿٣﴾ لبئس المولیٰ و لبئس العشیر ﴿٤﴾ و ﴿٥﴾ لبئس لیلظالمین بدلاً ﴿٦﴾ استبدلوا والله الذنابی بالقوادم والعجز بالکاهل، فرغماً لمعاطس قوم ﴿٧﴾ یحسبون أنّهم یحسبون صنعا ﴿٨﴾ ﴿٩﴾ ألا إنهم هم المفسدون ولكن لا یسعون ﴿١٠﴾ و یحهم ﴿١١﴾ أفمن یهدی إلی الحقّ أحقّ أن یتبع آمنّ لاً یهدی إلاّ أن یهدی فما لکم کیف تحکمون ﴿١٢﴾».

بیاید و بشنوید و هر چه عمر کنید، عجایب روزگار را می‌بینید؛

۱. سوره رعد، آیه ۵.

۲. سوره حج، آیه ۱۳.

۳. سوره کهف، آیه ۵۰.

۴. همان، آیه ۱۰۴.

۵. سوره بقره، آیه ۱۲.

۶. سوره یونس، آیه ۳۵.

ولی قول [و رفتار مردان شما] تعجب آور است. ای کاش می دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده‌اند و کدامین ستون را پشتیبان گرفته‌اند و به کدامین ریسمان تمسک جسته‌اند و بر چه خاندانی پیشقدم شده و استیلا جسته‌اند! شگفتا «که بد سرپرستی انتخاب کرده و بد دوستانی برگزیده‌اند.» «و ستمکاران چه بد مبادله کردند!» اینان روی بال، به جای پرهای بزرگ، دم را قرار داده‌اند، سر واگذارده، دم اختیار نمودند. به خاک مذلت ساییده باد بینی قومی که «خیال کردند با این اعمال کار خوبی را انجام داده‌اند!» بدانید که آنان فاسدند، ولی خود نمی‌دانند. «وای بر آنان!» آیا آن کس که مردم را به راه راست فرا می‌خواند، سزاوار پیروی است یا آنکه خود راه نمی‌داند؟ وای بر شما! چه بد داوری می‌کنید!»

### دوری از خاندان نبوت ﷺ

مسلماً هیچ چشمی خورشید را در روز کتمان نمی‌کند حتی اگر ضعیف و کم سو باشد مگر اینکه آن چشم مبتلا به نابینایی باشد؛ در این صورت از گرمای نور خورشید، به آن پی خواهد برد. منظور از این مثال آن است که مردم عصر رسول خدا ﷺ چگونه توانستند خورشید هدایت الهی - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام - را نادیده بگیرند و گرد شمعی سوخته همچون ابوبکر و ... بروند. این موضوع نشان می‌دهد که آنان از بصیرت و آگاهی باطن بی‌بهره بودند و کوردلانی بودند که حتی خوب را از بد تشخیص نمی‌دادند.

حضرت زهرا علیها السلام در ابتدای این خطبه جهت تنبّه و بیداری مردم، رفتار و گفتار آنان را در مورد غصب خلافت و ظلم و جنایت نسبت به خاندان نبوت علیهم السلام یکی از عجایب روزگار معرفی می‌نمایند تا شاید مردم با کمی تفکر و تدبّر، در رفتار و گفتار خود تغییر موضع دهند.

«هلم» به معنای «بیایید» و «دعوت به حضور» است. این کلمه در لغت اهل حجاز همیشه به صورت مفرد به کار می‌رود؛ ولی در لغت اهل عراق «هلموا» نیز مشاهده شده است<sup>(۱)</sup>. حضرت زهرا علیها السلام در اینجا براساس لغت اهل حجاز مفرد را خطاب به جمع به کار برده‌اند؛ یعنی ای زنان مهاجر و انصار! بیایید و گوش فرار دهید:

«وما عشت أراك الدهر عجباً وإن تعجب فعجب قولهم».

شخصی که در جوانی از دنیا می‌رود، در طول عمر کوتاه خود کمتر با عجایب و غرایب برخورد می‌کند؛ ولی انسان هر چه بیشتر عمر کند و تجربه‌های فراوانی کسب نماید و به حقایق و دقائق عالم آفرینش آگاهی بیشتری پیدا کند، عجیب و غریب بودن رفتار و گفتار افراد را بهتر درک می‌کند.

حضرت زهرا علیها السلام نیز براساس این قاعده و با توجه به اینکه به تمام اسرار و دقائق آفرینش آگاه بودند، از گفتار و رفتار مردم با اهل بیت علیهم السلام متعجب و شگفت زده بودند. هنوز چند روزی از شهادت پدر گرامی‌شان صلی الله علیه و آله نگذشته بود که خانه ایشان علیها السلام را به آتش کشیدند و از هرگونه آزار و اذیتی دریغ ننمودند. عده‌ای از مردم که خود را مسلمان یا صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر می‌شمردند،

۱. لسان العرب، جلد ۱۲ صفحه ۶۱۷.

تماشاگر و نظاره‌گر وقایع بودند و عده‌ای دیگر در آزار و اذیت مباشر<sup>(۱)</sup> بودند. این رفتار را اگر با دیده‌ای غیر متعصبانه و حقیقت‌گرا نظاره کنیم بر عجیب و غریب بودن آن اعتراف خواهیم نمود؛ زیرا رسول خدا ﷺ مکرراً در مورد حضرت زهرا علیها السلام سفارش نمودند و اذیت ایشان علیها السلام را اذیت و آزار خویش دانستند. در این باره به روایت ذیل توجه نمایید:

«خرج رسول الله ﷺ وهو آخذ بيد فاطمة علیها السلام فقال: من عرف هذه فقد عرفها ومن لم يعرفها فهي فاطمة بنت محمد ﷺ، وهي بضعة مني وهي قلبي وروحي التي بين جنبي، فمن آذاها فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله»<sup>(۲)</sup>.

روزی پیامبر ﷺ دست حضرت فاطمه علیها السلام را گرفته، بیرون آمدند و فرمودند: هر کس او را می‌شناسد، می‌داند او کیست و هر کس او را نمی‌شناسد، بداند او فاطمه زهرا علیها السلام دختر محمد ﷺ است. او پاره وجود من و قلب و روح من است که در سینه من قرار دارد. هر کس او را بیازارد، مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد، خدا را رنجانده است.

این بود رفتار امت در برابر دختری که هرگونه آزار و اذیت او آزار و اذیت رسول

۱. مباشر به کسی گویند که شخصاً به کاری اقدام کند و به غایت و مقصود خویش دست بیاید. (الرائد، جلد ۲)

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۵۴؛ جمله «من آذاها فقد آذاني ومن آذاني فقد آذى الله» در مهم‌ترین منابع اهل سنت نیز آمده است. ر.ک: صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۲۱۹ و جلد ۶ صفحه ۱۵۸؛ صحیح مسلم، جلد ۴ صفحه ۱۹۰۲؛ مسند أحمد، جلد ۴ صفحه ۳۲۶.

خدا ﷺ و در نهایت موجب ناخشنودی خداوند متعال است؛ اما گفتار آنان نیز تعجب برانگیز بود؛ زیرا می‌گفتند:

أولاً: رسول خدا ﷺ وصیت نکردند.

ثانياً: اگر وصیت هم کرده باشند اجماع امت و صحابه بر خلاف رأی ایشان ﷺ است.

ثالثاً: رسول خدا ﷺ به حکم اینکه یکی از انبیای الهی هستند، چیزی از خود به ارث نمی‌گذارند و با همین اعتقاد بود که اموال شخصی حضرت زهرا عليها السلام از جمله فدک را غصب نمودند.

### رفتار شیطانی صحابه

حضرت زهرا عليها السلام در فرازهای بعدی، ابتدا نسل خود را به امت یادآوری می‌نمایند و بر این نکته تأکید می‌کنند که رفتار صحابه و امت در غصب حق امیرالمؤمنین عليه السلام، علاوه بر اینکه دارای مضرات مادی است، موجبات عقب ماندگی معنوی را در امت فراهم می‌آورد. با تکرار این فرازها به شرح اجمالی آن می‌پردازیم.

« لیت شعري! إلى أي سناد استندوا و علی أي عماد اعتمدوا و بأیة عروة تمسکوا و علی آیة ذریة أقدموا و احتنکوا، « لبئس المولى و لبئس العشیر » « و بئس للظالمین بدلاً » .

کلمه « لیت » در تعجب و شگفتی فوق العاده و بسیار زیاد استعمال می‌شود<sup>(۱)</sup>.

۱. مغنی اللیب .



به راستی انسانی که به تکیه‌گاهی سست و ستون‌های پوچ و تهی تمسک می‌جوید، جای تعجب و شگفتی دارد. این امت مرتکب چنین خطایی شدند؛ زیرا بهترین نسل و ذریه را رها نموده، به غیر آن پناه بردند.

«احتنکوا» از ماده «حنک» به معنای «چانه» گرفته شده است<sup>(۱)</sup>. هنگامی که یک طرف عمامه را از زیر چانه عبور می‌دهند و روی دوش می‌اندازند، به این اعتبار که عمامه زیر چانه قرار دارد، به آن حالت «تحت الحنک» می‌گویند. حضرت زهرا علیها السلام این کلمه را با استفاده از استعمال آن در آیات قرآن، در مفهومی بسیار زیبا و کاربردی مورد استفاده قرار دادند. ابتدا به نمونه‌ای از استعمال این کلمه در آیات قرآن اشاره می‌کنیم، تا بتوانیم به عمق مفهوم این کلمه در خطبه شریف حضرت زهرا علیها السلام آگاه شویم.

ماجرای خلقت آدم علیه السلام و دستور خداوند به ملائکه برای سجده برابر آدم علیه السلام و از سوی دیگر سربلندی شیطان از این دستور در آیات فراوانی از قرآن کریم ذکر شده است. خداوند متعال در سوره‌ی اسرا در مورد این ماجرا می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا \* لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا﴾<sup>(۲)</sup>.

[به یاد آورید] زمانی را که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده‌ای؟! \* [سپس] گفت: به من

۱. لسان العرب، جلد ۱۰ صفحه ۴۱۶.

۲. سوره‌ی اسرا، آیه ۶۱-۶۲.

بگو: این کسی را که بر من برتری داده‌ای [به چه دلیل بوده است؟]  
اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانم را جز عده  
کمی، گمراه و ریشه کن خواهم ساخت.

احتناک را می‌توان به دو صورت معنی کرد:

۱. حنک که ثلاثی مجرد است به باب افتعال رفته و به معنای قبول و پذیرفتن حنک است، همان‌گونه که احتمال به معنای قبول حمل و احترام به معنای قبول حرمت است. در آیه شریف نیز قبول بستن چانه آنان است؛ یعنی من می‌پذیرم که با لجامی که بر دهان فرزندان آدم می‌گذارم، همه آنان را تسلیم و فرمانبردار خود کنم.

۲. معنای دیگر حنک، نابودی و از بین بردن است. در لغت آمده است:

«احتنك الجراد الأرض»<sup>(۱)</sup>.

ملخ تمام محصول زمین را خورد و نابود کرد.

بنابر این کلمه «احتنکوا» را در سخنان حضرت زهرا علیها السلام به هر معنایی حمل نماییم، مقتبس از قرآن و مفهوم آن نابودی و پیروی از شیطان است. شیطان می‌گوید: انسانی را که باید به سوی عبادت قدم بردارد از راه منحرف و نابود می‌کنم؛ البته به این معنی نیست که نسل آدم را منقرض و نابود می‌نمایم، بلکه کاری می‌کنم که آدم به آن موقعیت و جایگاهی که شایسته و بایسته او است دست نیابد و از آدمیت نزول و به درّه حیوانیت سقوط نماید؛ زیرا انسانی که به خداوند متعال کافر شود، دیگر انسان نیست. حضرت زهرا علیها السلام در این مقام می‌فرماید:

۱. لسان العرب، جلد ۱۰ صفحه ۴۱۶.

این امت و اصحاب، عملی شیطانی مرتکب شدند و همان رفتاری را که شیطان در برابر ذریه آدم انجام می‌دهد، آنها نیز همان‌گونه رفتار کردند و به نابودی ذریه پیامبر ﷺ اقدام نمودند؛ زیرا می‌گفتند: تا بر آنان مسلط نشویم نمی‌توانیم قدرت را به دست بگیریم، پس اگر خواهان قدرت و حکومت هستیم باید ذریه پیامبر ﷺ را ریشه کن نماییم، که البته هرگز موفق به چنین کاری نشدند. امت نیز با پیروی از غاصبان، بدترین یار و یاور، همراه، تکیه‌گاه، پشتوانه و سرپرست را برای خود انتخاب نمودند؛ همان‌گونه که ظالمان بدترین بدل و جانشین را برای خود برگزیدند.

### مبادله بهترین با بدترین

حضرت زهرا علیها السلام در فراز دیگری مردم و امت را به این نکته توجه می‌دهند که شما با نپذیرفتن ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام - با اینکه از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان علیه السلام واگذار شده بود - خلافت و ولایت را از جایگاهش منحرف نمودید و به این وسیله، بهترین شخص را برای پیشوایی خود با بدترین شخص مبادله کردید و مضرات این رفتار گریبان شما را خواهد گرفت.

«استبدلوا والله الذنابی بالقوادم».

### شرح این قسمت

فاعل «استبدلوا» همان جمع سقیفه و شورا بودند که برای رسیدن به اهداف شوم خود با یکدیگر بیعت نمودند. «ذنابی» نیز به معنای دُم است. دَنَب به

معنای دُم و جمع آن اذناب است<sup>(۱)</sup>.

حضرت امام صادق علیه السلام در روایتی فرمودند:

«یا معشر الأحداث! اتَّقوا الله ولا تأتوا الرؤساء، دعوهم حتّی یصیروا اذناباً»<sup>(۲)</sup>.

ای جوانان! از خدا بترسید و اطراف رؤسا جمع نشوید، آنها را رها کنید تا بی پشت و پناه شوند. (یعنی مانند دُم در آخر و پایان و همچنین بی مصرف شوند).

اما ذنابی در اصطلاح به معنای دیگری به کار می‌رود. پرنده‌گان معمولی (مانند گنجشک و کبوتر) دارای دو بال هستند؛ اما پرنده‌هایی که پروازهای بلند و طولانی انجام می‌دهند (مانند عقاب) چهار بال دارند، دو بال در جلوی آنان که برای پرواز و صعود آنها است و دو بال در عقب و پشت که به وسیله آن می‌نشینند؛ یعنی هنگامی که خواستند از آسمان به زمین بنشینند بال‌های اصلی و جلویی خود را جمع می‌کنند و بال‌های عقب را باز می‌نمایند؛ لذا بال‌های عقب را ذنابی و بال‌های جلو را قوادم می‌نامند<sup>(۳)</sup>. لازمه یک پرواز خوب و مفید، پر و بال‌های جلویی یا همان قوادم است و بال‌های عقب (ذنابی) پروازی مفید را به همراه نخواهد داشت و تنها در سقوط و فرود آمدن مفید است.

کبوتر بازان برای صید کبوترهای زیاد، یکی از بهترین کبوتران خود را که از نظر پرواز بهتر از دیگر کبوتران است، پرواز می‌دهند. آسمان پرتاب می‌کنند،

۱. لسان العرب، جلد ۱ صفحه ۳۸۹.

۲. بحار الأنوار، جلد ۱۰۸ صفحه ۳۳۷.

۳. لسان العرب.

هنگامی که این کبوتر پیشاپیش دیگر کبوتران پرواز می‌کند، علاوه بر اینکه روش پرواز را به دیگران می‌آموزد، باعث جذب کبوتران دیگر می‌شود.

بعد از این سخنان مقدماتی، به این سخن باز می‌گردیم که حضرت زهرا علیها السلام با فصاحت و بلاغت مثال زدنی خویش از استعاره و کنایه استفاده نموده، می‌فرماید: اگر حاکم و خلیفه مسلمانان از بال‌های پیشین خود استفاده نموده، راه و رسم پرواز صحیح را بداند می‌تواند راه و رسم پرواز را به جامعه نیز بیاموزد؛ ولی اگر او به جای استفاده از بال‌های پیشین خود از دم و بال‌های عقب استفاده کند، چیزی جز عقب‌گرد و درجا زدن به جامعه تحمیل نمی‌کند.

به عبارت دیگر، حضرت علیها السلام به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنند که این حکام و خلفا هیچ‌گونه تحرک و پیشرفتی برای جامعه شما به ارمغان نمی‌آورند و جامعه را در تمام شئون، عقب مانده و درمانده می‌کنند.

مسلمانان صدر اسلام با بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از وضعیت اسفبار دوران جاهلیت نجات یافتند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد وضعیت و فرهنگ جاهلیت قبل از ظهور اسلام فرمودند

«إن الله بعث محمداً صلی الله علیه و آله و سلم نذيراً للعالمین ، وأمیناً علی التنزیل ، وأنتم معشر العرب ! علی شرّ دین ، وفی شرّ دار ، منیخون بین حجارة خشن و حیّات صمّ ، تشریون الكدر و تأکلون الجشب ، و تسفکون دمائکم ، و تقطعون أرحامکم ، الأصنام فیکم منصوبة و الآثام بکم معصوبة»<sup>(۱)</sup>.

۱. نهج البلاغه، خطبة ۲۶.

خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ را مبعوث فرمود تا هشدار دهندهٔ جهانیان و امین و پاسدار وحی الهی باشد. آن‌گاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشتید و در بدترین خانه زندگی می‌کردید. میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک و فاقد شنوایی، به سر می‌بردید. آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید. خون یکدیگر را به نا حق می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بت‌ها میان شما پرستش می‌شد و مفسد و گناهان شما را فرا گرفته بود.

عقل انسانی حکم می‌کند که این فرهنگ و دستاورد ارزشمند حفظ شود و جهت پیشرفت آن تلاش گردد. این عمل نیازمند افرادی شایسته و عالم است که بتوانند با پروازی فوق العاده، جامعه را به سوی کمال سوق دهند نه اینکه باعث درجا زدن و عقب‌گرد جامعه شوند که البته خلفای صدر اسلام از این خصوصیت تهی بودند و فقط به مادیات و پیشرفت خود و اطرافیان‌شان فکر می‌کردند.

حضرت زهرا علیها السلام، در ادامه می‌فرمایند: نتیجهٔ دیگری که از این رفتار شما به دست آمد این است که شما به جای بهره‌مندی از «کاهل القوم»، «عاجز القوم» را برای رفع مشکلات خود برگزیدید.

«کاهل» به برآمدگی بین دو شانه مرکب سواری می‌گویند<sup>(۱)</sup>. حضرت زهرا علیها السلام طبق این استعاره و کنایه می‌فرمایند: مردم در تمام شدائد و مشکلات خود به کاهل و قادم خود پناه می‌برند؛ ولی شما متأسفانه از این نعمت هم دور

۱. لسان العرب، جلد ۱۱ صفحه ۶۰۱.

خواهید شد و هنگام عجز و درماندگی خود، پشت و پناهی نخواهید یافت. کسی که بر اسب سوار می‌شود، می‌داند که اگر عقب اسب بنشیند نمی‌تواند او را خوب هدایت کند؛ لذا در قسمت جلو می‌نشیند؛ ولی حاکم و خلیفه شما، عقب مرکب سوار شده و مطمئناً نمی‌تواند از آن موقعیت، موجبات هدایت و نجات شما را فراهم آورد. معمولاً انسان‌ها در مشکلات‌شان به شخصی که دارای وجاهت و اعتبار است پناه می‌برند؛ هرگز دیده نشده که کسی به خادم و مستخدم خود، یا در کارهای اداری مثلاً به دربان آن اداره پناه آورد؛ ولی شما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را - که پیشرو و چاره ساز قوم بود - رها نمودید و به اشخاصی پناهنده شدید که حتی اسلام آوردن‌شان نیز از روی میل و رغبت نبوده است.

### اعمال فاسد به جای اعمال نیک

گاهی دیده شده است انسان‌هایی که به قول خودشان انسان‌های خردمندی هستند و افعال‌شان با تدبیر و خردورزی همراه است، به کاری دست می‌زنند که جمعیتی رو به تباهی می‌روند. این افراد کسانی هستند که هرگز به عاقبت کارهایی نمی‌اندیشند و حتی حاضر نیستند به این نکته بیندیشند که آیا زیان این کاری که انجام می‌دهند، دامن خودشان را هم خواهد گرفت یا نه! متأسفانه این‌گونه جاهلان و کج اندیشان در همه ادوار یافت می‌شوند؛ اما شایسته یادآوری است که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به وفور دیده می‌شدند. حضرت زهرا علیها السلام در ادامه سخنان بیداری بخش و هدایت کننده خویش، به نکته دیگری اشاره می‌نمایند که سرمشق خوبی در تمام ادوار خواهد بود:

« فرغماً لمعاطس قوم ﴿يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾<sup>(۱)</sup> ﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ﴾<sup>(۲)</sup> .»

معاطس به معنای محلّ عطسه (بینی) است<sup>(۳)</sup>. ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با اقتباس از آیات قرآن در جهت اثبات این مطلب هستند که نیت‌ها نمی‌توانند واقعیات را تغییر دهند؛ به این معنی که بسیاری افراد اعمال زشت و فاسد را به نیت اینکه اعمالی نیک و هدایتگر هستند مرتکب می‌شوند؛ در واقع این خیال و گمان آنها، موجب انحراف و فسادشان شده است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿۱﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿۲﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا﴾<sup>(۴)</sup>.

بگو: آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین [مردم] در کارها، چه کسانی هستند؟ \* همان کسانی که سعی و تلاش‌شان در زندگی دنیا گم [و نابود] شده، درحالی که می‌پندارند کار نیک انجام می‌دهند \* آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت اعمالشان حبط و نابود شد؛ از این رو در روز قیامت، میزانی برای [سنجش اعمال] آنها برپا نخواهیم کرد.

۱. سوره کهف، آیه ۱۰۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲.

۳. لسان العرب، جلد ۶ صفحه ۱۴۲.

۴. سوره کهف، آیه ۱۰۳-۱۰۵.



این آیه علاوه بر اینکه مشتمل بر عقاید است، درس‌ها و عبرت‌های اجتماعی را بیان می‌نماید. برای روشن شدن مفهوم این آیه شریف به مثال زیر دقت کنید:

کسی که در بازار و صحنه کار و تلاش خیره است، فروشنده‌ای را که به دیگران نسپه می‌دهد، پر ضررترین فرد می‌نامد؛ زیرا این فرد گمان می‌کند با نسپه دادن به دیگران از رقیبان خود در صحنه فروش پیش افتاده است. مردم هم از این گمان و خیال او سوء استفاده نموده، بعد از خرید نسپه‌ای اجناس، پا به فرار می‌گذارند. در این حال، او که زحمت‌های فراوانی کشیده بود و سرمایه‌ای عظیم برای خود فراهم آورده بود، در پایان چیزی جز خسارت و ضرر عایدش نخواهد شد؛ در حالی که کار خود را بهترین عمل می‌دانست. حال با نگاهی به رقیبان او در بازار به این نتیجه می‌رسیم که آنها گرچه فروش چندانی نداشته‌اند اما سرمایه‌های خود را نیز مفت و مجانی از دست نداده‌اند، پس آنها برنده واقعی هستند نه آن شخصی که به گمان خود بهترین عمل را مرتکب شده بود.

انسان‌های مسلمان نمای فراوانی وجود دارند که کوشش و تلاش می‌کنند، عرق می‌ریزند و گمان اصلاح و خوبی می‌برند؛ ولی فاسدترین اشخاص هستند. با نگاهی اجمالی به تاریخ در می‌یابیم حتی کسانی که به خانه حضرت زهرا علیها السلام هجوم آورده، آنجا را به آتش کشیدند، این عمل را قربة إلى الله انجام می‌دادند، یا لشکر سی هزار نفری که در کربلا برابر حضرت سید الشهداء علیه السلام صف آرایی نمودند، یهودی یا نصرانی نبودند بلکه مسلمانانی بودند که قربة إلى الله در این جنگ نابرابر شرکت کرده بودند و همگی به توحید خداوند متعال و رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شهادت می‌دادند و حتی کسانی بودند که در رکاب حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌هایی همچون جمل و صفین، حضور یافته بودند. ابن زیاد با توجه به این نکته بود که فردی همچون ابن سعد را به عنوان فرمانده لشکر انتخاب نمود؛ زیرا او یکی از بهترین قاریان و شب زنده داران کوفه بود. او فرزند سعد بن ابی وقاصی بود که او را از عشره مبشره نام نهاده بودند<sup>(۱)</sup> و چهره‌ای کاملاً مذهبی داشت. ابن سعد جهت تشویق و حرکت دادن سپاه می‌گفت:

« یا خیل الله! ارکبى وبالجنة أبعثى »<sup>(۲)</sup>.

ای سپاهیان خدا! بر مرکب‌ها سوار شوید و خود را به بهشت بشارت دهید.

حضرت زهرا علیها السلام با اقتباس از آیات قرآن کریم، قصد دارند این مطلب را تفهیم کنند که عده‌ای تلاش می‌کنند و جهنم را می‌خرند و این بدبختی و بیچاره‌گی محسوب می‌شود؛ زیرا یک نفر در خانه می‌خوابد و استراحت می‌کند، نماز و روزه را به پا نمی‌دارد یا در خانه می‌نشیند و غیبت می‌کند، مال مردم را می‌خورد، با یک امضای بی مورد دزدی می‌کند، به نوامیس مردم تعدی و تجاوز می‌نماید و در نهایت جهنم را با آسایش و آسودگی خاطر به جان می‌خرد، این شخص با کسی که تلاش می‌کند، نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد و جهنمی می‌شود، فرق دارد.

بنابر این، تلاش و کوشش آنان که به خاطر خیال و گمان خیر و نیکی بود،

۱. اهل سنت با نسبت دادن حدیثی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ده نفر از اصحاب را اهل بهشت می‌دانند. این حدیث با استناد به دلایل مختلف نادرست و جعلی می‌باشد.  
۲. بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۳۱۹.

پشیزی ارزش ندارد و اعمال آنان آنقدر بی‌ارزش است که حتی برای رسیدگی به حساب آنان، نیازی به ترازو نیست.

### جریان سقیفه بانی مشکلات در آینده

معمولاً کسانی که می‌خواهند در مورد امر مهمی با دیگری مشورت کنند، سعی می‌کنند فرد مناسبی را که از عقل و اندیشه کافی بهره‌مند است، بیابند و موضوع خود را با چنین شخصی مشورت نمایند. اکنون می‌خواهیم مردمی را مثال بزنیم که در زندگی شخصی خودشان آنقدر مشکلات شخصیتی و اخلاقی دارند که زبانزد عام و خاص هستند، اما می‌خواهند برای جانشینی رسول خدا ﷺ با یکدیگر به مشورت بپردازند و از همه اینها بدتر، یکی از خودشان را برای این امر خطیر، انتخاب نمایند و می‌دانید که عاقبت آن مشورت به کجا ختم شد.

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه سخنان‌شان به عواقب پیروی مردم از جریان سقیفه اشاره نموده، می‌فرمایند:

«أما لعمرى! لقد لقت فنظرة ريشما تنتج، ثم احتلبوا ملاء القعب دماً  
عبيطاً وذعافاً مبيداً، هنالك يخسر المبطلون وتعرف التالون غب ما  
أسس الأولون، ثم طيبوا عن دنياكم أنفساً واطمئنتوا للفتنة جأشاً» .  
به جان خود قسم! [این کاری که شما کردید و بنیان این حکومت  
را بنا نهادید] آبستن شده و به زودی خواهد زایید و ثمره آن بر  
پیکره اجتماع روشن خواهد شد و به جای شیر، از خون تازه و

سم مهلك، ظرفهائتان را پسر خواهيد كرد. در اينجا است كه پويندگان باطل ضرر مي بينند و آيندگان به نتيجه خشت كجي كه گذشتگان بنيان نهاده اند آگاه مي شوند. اكنون اين مدّت کوتاه رادر دنيا خوش باشيد؛ اما مطمئن باشيد آينده آيستن فتنه ها و حوادث است.

ابتدا به معنای لغوی تعدادی از کلمات فوق اشاره می کنیم:

۱. ریثما: مرکب است؛ مثل حینما به معنای نتیجه سریع و تند<sup>(۱)</sup>.

۲. احتلب: از ماده حلب به معنای دوشیدن است<sup>(۲)</sup>.

۳. قعب: قدح (طغار) بزرگ چوبی است<sup>(۳)</sup>.

۴. ذعافاً: سمّ است<sup>(۴)</sup>.

۵. مبيداً: از «بید» به معنای نابودی و هلاکت است<sup>(۵)</sup>.

بنابراین، از دیدگاه سرچشمه ﷺ تمام حوادث و اتفاقاتی که در آینده تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ خواهد داد، جریان سقیفه و پیروی مردم از رأی و نظر این شورا است.

### پیش بینی حضرت زهرا ﷺ از آینده

حضرت زهرا ﷺ در فرازهای بعدی، وضعیت آینده مسلمانان و حاکمان و رفتار

۱. لسان العرب، جلد ۲ صفحه ۱۵۶.

۲. همان، جلد ۱ صفحه ۳۲۷.

۳. همان، صفحه ۶۸۳.

۴. همان، جلد ۷ صفحه ۱۰۹.

۵. همان، جلد ۳ صفحه ۹۷.

آنها را پیش بینی کرده و به چند نمونه اشاره می‌نمایند:

«وَأَبْشُرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَسَطْوَةٍ مَعْتَدَةٍ غَاشِمٍ وَبِهَرَجٍ شَامِلٍ وَاسْتِبْدَادٍ  
مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ فِيئِكُمْ زَهِيداً وَجَمْعَكُمْ حَصِيداً».

بشارتتان باد! به شمشیرهای برّان و کشیده و حملهٔ جائر و  
ستمکار و درهم شدن امور همگان و خود رأیی ستمگران، غنائم  
و حقوق شما را اندک خواهند داد و جمع شما را با شمشیرهایشان  
دور خواهند کرد.

#### الف. ابشروا بسیف صارم

حضرت زهرا علیها السلام در پیش بینی اول می‌فرماید:

این حکومت و خلافتی که اکنون بنیان آن نهاده شده است، در آینده روش  
استبداد و خودکامگی را در پیش خواهد گرفت و با قدرت سلاح و شمشیر بر شما  
حکومت خواهد کرد.

گذشت روزگار، این پیش بینی و بشارت حضرت علیها السلام را از وقایع بعد از شهادت  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و غصب خلافت توسط ناهلان، آشکار نمود و نمونه‌های آن  
در تاریخ ثبت گردید که به دو نمونه از آن اشاره می‌شود:

#### ۱. واقعهٔ حرّه

این واقعه در سال ۶۳ هجری قمری به وقوع پیوست؛ یعنی اگر شهادت  
حضرت زهرا علیها السلام و تشکیل شورای سقیفه را در سال دهم هجری بدانیم در  
فاصله کوتاهی (۵۳ سال بعد) یکی از پیش بینی‌های حضرت علیها السلام به وقوع پیوسته  
است. چگونگی واقعه از این قرار است: مردم مدینه که از فسق و فجور به ستوه

آمده بودند، بر حاکم مدینه شوریدند و او را مغلوب کردند. وقتی خبر این قیام به یزید رسید، سپاهی را به مدینه گسیل داشت. سپاهیان یزید در منطقه‌ای به نام حرّه با اهل مدینه جنگ سختی کردند و در نهایت آنان را شکست دادند و مدینه را به خاک و خون کشیدند و سه شبانه روز، جان و ناموس مردم را مورد تعرض و تجاوز قرار دادند<sup>(۱)</sup>.

## ۲. جنایات حجاج بن یوسف

او بیست سال فرمانروایی کرد و تعداد کسانی که در این مدّت با شمشیر دژخیمان وی یا زیر شکنجه جان سپردند صد و بیست هزار نفر بود. هنگام مرگ حجاج در زندان او (که در اطراف عراق بود) پنجاه هزار مرد و سی هزار زن زندانی بودند<sup>(۲)</sup>.

### ب. سطوة معتدّ غاشم

پیش بینی دیگر حضرت زهرا علیها السلام این است که حکام و خلفا، بر مردم سلطه پیدا خواهند کرد و در نهایت ستم و جور را بر مسلمانان حاکم خواهند کرد.

### ج. بهرج شامل

طبق این پیش بینی، هرج و مرج و آشفتگی بسیاری روی خواهد داد که هرگز پناهگاهی برای مسلمانان وجود نخواهد داشت.

### د. و استبداد من الظالمین، یدع فیئکم زهیدا

همچنین حکام و خلفا در تقسیم بیت المال چنان ظالمانه عمل خواهند نمود

۱. منتهی الامال، صفحه ۶۱۳؛ از منابع اهل سنت: تاریخ الإسلام ذهبی، جلد ۵ صفحه ۲۳.

۲. مروج الذهب، جلد ۳ صفحه ۱۵۷.

که مردم به خاطر ناچیز و کم بودن سهمیه خود، تمایلی به دریافت آن نخواهند داشت.

### ر. و جمعکم حصیداً

حضرت زهرا علیها السلام در آخرین پیش بینی می فرمایند: به خاطر اعمال محدودیت‌ها از سوی دستگاه خلافت، هیچ نوع فرصتی برای انتقاد و اعتراض وجود نخواهد داشت و در صورت اعتراض، تمام معترضان تنبیه یا قتل عام می‌شوند.

### و. فیا حسرة لکم و انا لکم

مردمی که به خاطر جهالت و نادانی، مسیر حرکت خود را درست تشخیص نداده‌اند، به پیروی از کسانی می‌پردازند که احکام خدا را به مسخره و بازی می‌گیرند و آنچه را به نفع‌شان باشد، عمل می‌کنند و بقیه را ترک نموده، از بین می‌برند. حضرت علیها السلام با ابراز حسرت و تأسف خود، مردم را به تفکر و تدبیر در چنین شیوه‌ای دعوت می‌نمایند.

آنچه در آینده اتفاق افتاد، نشان دهنده بینش و بصیرت عمیق حضرت صدیقه زهرا علیها السلام در درک مسائل زمان خود و آگاهی ایشان علیها السلام از اتفاقات و نتایج آنها در زمان آینده بود.

ولید بن عبدالملک یکی از خلفای بنی امیه است که در سال ۸۶ به خلافت رسید. فاصله بیانات حضرت زهرا علیها السلام تا این زمان، حدود هفتاد سال است. وقتی ولید به کرسی حکومت در شام تکیه زد، به احکام الهی پشت کرد و آنها را به تمسخر گرفت. او به فسق و فجور تظاهر می‌کرد و علناً به شرابخواری

می‌پرداخت؛ پیش از آن زمان کسی جز یزید، به شرابخواری تظاهر نمی‌کرد. ولید در قصر خود استخری از شراب درست کرده بود و با کنیزان خود در آن شنا می‌کرد. نقل شده است که در همان جا با کنیزی مست، جماع کرد و بر سر آن کنیز، عمامه بست و برای اقامه نماز جماعت به مسجد روانه کرد و هیچ کس جرئت اعتراض نداشت<sup>(۱)</sup>.

حضرت زهرا علیها السلام این انحرافات را پیش بینی می‌کردند و ماهیتِ نطفه‌ای را که در زمان ایشان علیها السلام ایجاد شده بود و زمان آبستن آن بود، می‌شناختند و می‌دانستند که این نطفه اگر روزی متولد شود، چه اتفاقاتی رخ خواهد داد.

### اقدامات سیاسی بنی امیه

بنی امیه برای ایجاد انحرافات عمیق به اقدامات گسترده‌ای دست زدند؛ برای مثال سعی کردند چهره افراد با فضیلت و آگاه جامعه را در دیدگاه نسل جدید تخریب کنند و با جوسازی و مسموم سازی فضای جامعه، به اهداف خود نائل آیند.

ابن ابی الحدید - یکی از مورخان اهل سنت - در این رابطه می‌نگارد:

«وكان الحجاج - لعنه الله - يلعن علياً عليه السلام، ويأمر بلعنه وقال له متعرض به يوماً وهو راكب: أيها الأمير! إن أهلي عقّوني فسمّوني علياً، فغيّر اسمي، وصلّني بما أتبلّغ به فيّني فقير».

حجاج همیشه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را لعن می‌کرد و دیگران

۱. تاریخ خمیس، جلد ۲ صفحه ۳۲۰.



را نیز به لعن و سبّ ایشان علیہ السلام دستور می داد. روزی کہ او بر مرکبش سوار بود، شخصی گفت: ای امیر! خانواده ام مرا از رحمت دور نموده و مرا علی نام گذارده اند، نام مرا تغییر بده و به من هدیه ای ده تا مرا بی نیاز کند.

«فأما عمر بن عبدالعزيز، فإنه قال: كنت غلاماً أقرأ القرآن على بعض ولد عتبة بن مسعود، فمرّ بي يوماً وأنا ألعب مع الصبيان، ونحن نلعن علياً علیہ السلام، فكره ذلك ودخل المسجد، فتركت الصبيان وجئت إليه لأدرس عليه وردي، فلما رأني قام فصلّي وأطال في الصلاة - شبه المعرض عني - حتى أحسست منه بذلك، فلما انفتل من صلاته كبح في وجهي، فقلت له: ما بال الشيخ؟ فقال لي: يا بني! أنت اللاعن علياً علیہ السلام منذ اليوم؟ قلت: نعم، قال: فمتى علمت أن الله سخط على أهل بدر بعد أن رضی عنهم؟ فقلت: يا أبت! وهل كان علي علیہ السلام من أهل بدر؟ فقال: ويحك! وهل كانت بدر كلها إلا له؟ فقلت: لا أعود، فقال: الله أنك لا تعود؟ قلت: نعم، فلم ألعنه بعدها»<sup>(۱)</sup>.

عمر بن عبدالعزیز می گوید: من در دوران نوجوانی نزد یکی از فرزندان عتبه بن مسعود قرآن می آموختم. روزی استادم، زمانی که من در کوچه با بچه ها بازی می کردم، از کوچه رد می شد، در حالی که ما حضرت علی علیہ السلام را لعن می کردیم. او از عملکرد ما ناراحت شد و به مسجد رفت. من نیز از کودکان جدا شدم و به

۱. از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، جلد ۴ صفحه ۵۹.

طرف او رفتم تا درس آن روز را یاد بگیرم. وقتی مرا دید، به من اعتنا نکرد و به نماز مشغول شد و نماز خود را طولانی کرد. وقتی نمازش را تمام کرد، نگاه تندی به من نمود. به او گفتم: استاد! چه شده است؟ او گفت: پسرم! امروز تو بودی که علی علیه السلام را لعن می کردی؟ گفتم: آری! گفت: تو از کجا دانستی که خداوند بر اهل بدر و اصحاب آن خشم کرده بعد از اینکه در قرآن از آنها اعلام رضایت نموده است؟ گفتم: ای استاد! آیا علی علیه السلام از اهل بدر بود؟ گفت: وای بر تو! آیا اگر علی علیه السلام نمی بود، پیروزی بدر به وقوع می پیوست؟! گفتم: دیگر تکرار نمی کنم. گفت: قسم می خوری که دیگر تکرار نکنی؟ گفتم: آری! دیگر بعد از این واقعه هیچ وقت ایشان علیهم السلام را لعن نکردم.

بنی امیه فضای جامعه را چنان دگرگون نمودند و معیارها را وارونه کردند که نیکان در نظر مردم بد جلوه داده می شدند و بدان، نیک؛ کار به جایی رسید که نام گذاری افراد به نام مبارک «علی» یک ننگ و عار به شمار می رفت و لعن امیرالمؤمنین علیه السلام - که زمین و آسمان از بیان فضائل ایشان عاجزند - در مجالس و بر زبان کوچک و بزرگ، حتی فرزندان خلفا و حکام - که طبق معمول باید از دانش و سطح عالی معلومات بهره مند باشند - یک زینت به شمار می رفت و به خاطر این بدبینی بود که حتی از واضح ترین مسائل همچون حضور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ هایی مثل بدر و ... غافل و جاهل بودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در گذشته از این دگرگونی ها خبر داده و آن را پیش بینی

نموده بودند:

ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

«کیف بکم، إذا فسدت نساءکم وفسق شبابکم، ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر؟ فقيل له: أیكون ذلك یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟! قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: نعم وشرٌّ من ذلك؛ کیف بکم إذا أمرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف؟ فقيل له: یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أیكون ذلك؟! قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: نعم وشرٌّ من ذلك؛ قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: کیف بکم إذا رأیتم المعروف منكراً والمنکر معروفاً؟»<sup>(۱)</sup>.

چگونه خواهید بود، زمانی که زنان تان فاسد و جوانان تان فاسق شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟! گفتند: یا رسول الله! آیا این طور می‌شود؟! حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: آری و بدتر از آن؛ چگونه خواهید بود، زمانی که بر منکر امر کنید و از معروف نهی نمایید؟! گفتند: آیا ممکن است یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟! حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: بله و زشت‌تر از آن؛ چگونه خواهید بود، زمانی که ببینید معروف، منکر و منکر، معروف شده است.

تبدیل شدن معروف به منکر و بر عکس، مسئله‌ای بود که خیلی زود خود را در جامعه نشان داد. مردم در آن روزگار معروفات دینی را زیر پا گذارده، به اعتقادات دیگری پایبند شدند؛ ولی با چشم پوشی، از این مسئله آنها حتی معروفات و کرامات انسانی همچون: اخلاق انسانی، راستگویی، صفا، صداقت، پاکدامنی، خوش رفتاری و تجاوز نکردن به حقوق دیگران را ترک نمودند و به

۱. وسائل الشیعة، جلد ۱۶ صفحه ۱۲۲؛ منتهی المطلب، جلد ۲ صفحه ۹۹۲.

منکراتی همچون: بد فکری، بد زبانی، سوء خلق و ... مشغول شدند. این اتفاق در جامعه اسلامی آن زمان روی داد و متأسفانه دامنه این انحطاط اخلاقی و سقوط در مهلکه‌های فسق و فساد، از آن زمان تا کنون ادامه یافته است.

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه می‌فرماید:

«وقد عمیت علیکم ﴿أَنْزَلْنَاكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ﴾»<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>.

در حالی که حقایق امور بر شما مخفی گردیده است. «آیا شما رابه

کاری واداریم که از آن کراهت دارید؟»

حضرت زهرا علیها السلام در این قسمت، علت روی گردانی و کراهت مردم را از حق،

در دنیا طلبی و جاه طلبی می‌دانند که آنان را از تشخیص حق بازداشته است.

سعید بن غفله - که این روایت را نقل می‌کند - در ادامه می‌گوید:

«فأعادت النساء قولها علی رجالهنّ فجاء إلیها قوم من وجوه

المهاجرین والأَنْصار معتذرين وقالوا: یا سیدة النساء! لو کان أبو

الحسن علیه السلام ذکر لنا هذا الأمر من قبل أن نبرم العهد ونحکم العقد، لما

عدلنا عنه إلی غیره. فقالت علیها السلام: إلیکم عنی فلا عذر بعد تعذیرکم

ولا أمر بعد تقصیرکم»<sup>(۳)</sup>.

زنان حاضر در مجلس، سخنان حضرت فاطمه علیها السلام را نزد مردان

خود بازگو نمودند. متعاقب آن، گروهی از بزرگان و رؤسای

مهاجرین و انصار در حالی که اعتذار می‌جستند و اظهار ندامت

۱. سوره هود، آیه ۲۸.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۳ صفحه ۱۶۱.

۳. همان.

می کردند، نزد حضرت زهرا علیها السلام آمدند و به آن حضرت گفتند: ای سرور زنان عالم! اگر ابوالحسن (علی علیه السلام) برای ما حقایق را عنوان می کرد، قبل از آنکه ما با دیگری (ابوبکر) عهد و ثیق و پیمان استوار و محکم بسته باشیم، هرگز از او روی برناتافته، به دیگری میل نمی کردیم. حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: از نزد من بروید! من مسئولیت بازگویی حقایق را داشتم و حجت را بر شما تمام کردم. عذر شما، عذر مقبول و پسندیده ای نیست و تقصیر و کوتاهی شما مسلم است و هیچ بهانه و توجیهی بعد از آن مقبول نیست.

طبق این سخنان، آشکار می گردد که مردم با تعصب بی جا و بی مورد خود، همچنان بر اشتباه خویش پا فشاری می کنند و هرگز از ادعای خود عقب نشینی نمی کنند؛ زیرا وقتی حق بر آنان روشن گشت، نگفتند که ما اشتباه کردیم، پس از ادعای خود بر می گردیم، بلکه گفتند: خلیفه اکنون بر سریر قدرت تکیه زده است و راه را ادامه می دهد، لزومی نیست که او را از قدرت خلع نماییم.

با پایان یافتن تبیین و تشریح این خطبه شریف و با توجه به ایام ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مناسب است که جلسات آینده را به بحث و بررسی در مورد شخصیت و زندگانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص دهیم.

در جلسات گذشته، ابعاد شخصیتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در حدّ توانایی و استعداد خویش مطرح نموده ایم؛ البته واضح است که ابعاد شخصیتی آن حضرت علیه السلام دریای ژرف و شگرفی است که هر کسی را یارای دست یابی به عمق

آن نخواهد بود؛ به عنوان مثال، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد علم و دانش خویش فرمودند:

« ینحدر عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ »<sup>(۱)</sup>.

سیل‌ها و چشمه‌های علم و فضیلت، از دامن کوهسار وجودم جاری است و مرغان بلند پرواز اندیشه‌ها، به افکار بلند من راه نتوان یافت.

در کتاب سیری در آیات ولایت و امامت جلد یک، مفصل در مورد این مطلب سخن گفته‌ایم که همه چیز تحت قدرت و اختیار امام علیه السلام است و ایشان واسطه فیض الهی بر بندگان محسوب می‌شوند<sup>(۲)</sup>.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگر فرمودند: اگر مدح نفس جایز بود و نکوهیده نبود، تمام گفتنی‌ها را در مورد خویش مطرح می‌نمودم.

بنابر این گر چه تاکنون در مورد ابعاد علمی و معنوی حضرت علیه السلام بسیار سخن گفته‌ایم اما قصد داریم دشمنی‌ها، کینه ورزی‌ها و آزار و اذیت‌هایی را که از صدر اسلام تاکنون نسبت به این شخصیت روا داشته‌اند، مطرح نماییم. یکی از محدثان و متکلمان اخیر و معاصر اهل سنت نیز در ادامه این کینه ورزی‌ها و دشمنی‌ها گفته است: من پدر و مادرم را به این خاطر که نام مرا علی گذاشته‌اند نخواهم بخشید.

« وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۹ صفحه ۴۹۷.

۲. سیری در آیات ولایت و امامت، جلد ۱ صفحه ۲۱.

## خودآزمایی

- ۱ رفتار شگفت‌آور مردمان در زمان شهادت پیامبر ﷺ چه بود؟
- ۲ دلیل خلفا بر عملکرد خود نسبت به دختر پیامبر ﷺ چه بود؟
- ۳ از واژه «ذنابی» در خطابه شریف چه مفهومی اراده شده است؟
- ۴ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد فرهنگ جاهلی عرب چه سخنانی فرموده‌اند؟
- ۵ به چه شکلی اعمال بد و فاسد انسان در نظرش خوب جلوه می‌کند؟
- ۶ دلیل ابن زیاد برای انتخاب ابن سعد به فرماندهی سپاه چه بود؟
- ۷ چند مورد از پیش‌بینی‌های حضرت زهرا علیها السلام از حوادث آینده و فضای جامعه پیش‌روی را بیان کنید؟
- ۸ تأسف و حسرت حضرت زهرا علیها السلام از چه مسائلی بود؟
- ۹ رسول خدا ﷺ در مورد معروف و منکر در آینده چه پیش‌بینی فرموده‌اند؟
- ۱۰ مردان مهاجر و انصار بعد از درک حقایق چه کردند؟
- ۱۱ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد جایگاه علمی و معنوی خویش چه فرموده‌اند؟

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه سخنان شان به عواقب پیروی مردم از جریان سقیفه اشاره نموده ، می فرمایند : به جان خود قسم ! [این کاری که شما کردید و بنیان این حکومت را بنا نهادید] [آبستن شده و به زودی خواهد زایید و ثمره آن برپیکره اجتماع روشن خواهد شد و به جای شیر ، از خون تازه و سم مهلک ، ظرفها بتان را پر خواهید کرد . در اینجا است که پویندگان باطل ضرر می بینند و آیندگان به نتیجه خشت کجی که گذشتگان بنیان نهاده اند آگاه می شوند . اکنون این مدت کوتاه را در دنیا خوش باشید ؛ اما مطمئن باشید آینده آبستن فتنه ها و حوادث است .

( صفحه ۱۹ از همین جزوه )

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :  
ابتدای خیابان امام ، جنب قائمیه ، فروشگاه آوای مهر .
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد .
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات ، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید .

### محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله بصری رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)